

فصلنامه تاریخ اسلام
سال نهم، بهار و تابستان ۱۳۸۷، شماره مسلسل ۳۳ - ۳۴

حیات ابن ابی الحدید

فاطمه سرخیل*

عبدالحمید هبته الله (۵۸۶-۶۵۶ هـ) مشهور به ابن ابی الحدید در خانواده‌ای اهل دانش در شهر مداین زاده شد. پس از تحصیلات مقدماتی در بغداد به معتزله گرایش یافت و اندیشه ایشان را چنان آموخت که خود در آن باره اهل نظر شد و از بزرگان معتزله گردید. او در بغداد مورد توجه دولتمردان عباسی قرار گرفت و عهده‌دار مشاغل حکومتی گردید. با این حال هرگز از دانش اندوزی و خردورزی باز نایستاد، آن چنان که در شناخت و بررسی تاریخ صدر اسلام صاحب نظر شد. این مقاله به شرح و بررسی زندگی ابن ابی الحدید پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: ابن ابی الحدید، عباسیان، معتزله، تألیفات، شرح نهج البلاغه.

* کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم

مقدمه

ابن ابی الحدید در سال‌های ۵۸۶ تا ۶۵۶ ه. در قلمرو حکومت عباسی می‌زیست که هم‌زمان با عصر چهارم حکومت عباسیان (۴۴۷-۶۵۶ ه) و دوران حکومت چهارتن از خلفای عباسی «ابوالعباس احمد ناصر (۵۷۵-۶۲۲ ه / ۱۱۸۰-۱۲۲۵ م)، ابونصر محمد ظاهر (۶۲۲-۶۲۳ ه / ۱۲۲۵-۱۲۲۶ م)، ابوجعفر منصور مستنصر (۶۲۳-۶۴۰ ه / ۱۲۲۶-۱۲۲۷ م)، ابواحمد عبدالله مستعصم (۶۴۰-۶۵۶ ه / ۱۲۴۲-۱۲۵۸ م) می‌باشد. در این دوره، خلافت عباسی، خوارزمشاهیان و اسماعیلیان قدرت‌های برتر جهان اسلام بودند. خلفای عباسی جانشینان پیامبر و متولیان تسنن، مذهب رسمی جهان اسلام، محسوب می‌شدند.

خوارزمشاهیان پس از سلجوقیان قدرت را در ایران در دست گرفتند. آنها کوشیدند تا خلافت عباسی را مطیع خویش سازند. هیچ‌گاه روابط حکومت‌های ایران با دستگاه خلافت تا حد دوره خوارزمشاهیان تیره و تار نبوده است. این اختلافات که از زمان الناصرالدین الله و علاءالدین تکش آغاز شد تا زمان مرگ آخرین فرمانروایان دو حکومت ادامه یافت.

در این زمان مردم ناراضی از اوضاع به دنبال پناهگاهی می‌گشتند که از شر حکومت نجاتشان دهد. اسماعیلیان شیعه مذهب که دشمن قدرتمند دستگاه خلافت و خوارزمشاهیان بودند پاسخ‌گوی این نیاز مردم بودند. و این عامل سبب شد اسماعیلیان در این عصر به اوج قدرت برسند. اسماعیلیان در این دوره از دژهای خویش که سراسر جبال البرز را در بر می‌گرفت پا فراتر نهادند و در شهرهای ایالات کرمان، خراسان، عراق عجم و حتی فارس پایگاه‌های مستحکمی یافتند.

این شرایط در جامعه اسلامی وضعیت دشواری را پدید آورده بود؛ به طوری که با وجود اقتدار ظاهری دستگاه خلافت، این نظام از درون با مشکلات فراوانی مواجه بود. مردم و اندیشمندان آن عصر از این وضعیت ناراضی بودند و طبیعتاً با توجه به این اوضاع، مهم‌ترین سؤال در جامعه اسلامی این بود که چرا مسلمانان با چنین شرایط بغرنجی

روبه‌رو شدند؟ برای پاسخ به این پرسش، متفکران با توجه به تاریخ گذشته جامعه اسلامی، در پی تعلیل و تبیین رخ‌دادها بر آمدند. ابن ابی‌الحدید یکی از اندیشمندان این عصر بود که ضمن همراهی با دستگاه خلافت عباسی، برای پاسخ به سؤالات مطرح در جامعه مسلمانان و روشن کردن زمینه‌های بروز این شرایط خاص اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، به مباحث تاریخی روی آورد. در این پژوهش به شرح و بررسی زندگی و افکار ابن ابی‌الحدید می‌پردازیم.

زیست‌نامه

عزالدین ابوحامد عبدالحمید بن [داود بن]^۱ هبة الله بن محمد بن محمد بن حسین بن ابی‌الحدید مدائنی در سال ۵۸۶ هـ. در خانواده‌ای اهل دانش در مداین متولد شد و در آن جا رشد و نمو یافت.^۲ اما یاقوت حموی ولادت او را در مداین ولی رشدش را در کرخ دانسته و درباره مذهب اهالی مداین و کرخ در این دوران می‌نویسد که اهالی مداین و کرخ در عصر ایشان شیعه امامی بودند.^۳ از دوران کودکی ابن ابی‌الحدید اخباری در دست نیست.

از سنین پانزده و شانزده سالگی در محضر علما و بزرگان مشهور بغداد که بیشتر آنها شافعی مذهب بودند حاضر می‌شد و در محافل علمی و ادبی شرکت می‌جست.^۴ او در مدارس نظامیه بغداد تحصیل کرد.^۵ اما او که شیفته آموختن و دستیابی به حقیقت بود تنها به اساتید شافعی این مدارس اکتفا نکرده واز بزرگان سایر فرقه‌های اسلامی نیز بهره‌های فراوانی برد. اساتید متعدد وی شافعی، حنفی، حنبلی و دسته‌ای از ایشان علوی بودند. اساتید شافعی‌اش که در شرح نهج‌البلاغه از ایشان یاد شده است عبارتند از: ابوحفص عمر بن عبدالله الدباس بغدادی (م ۶۰۱ هـ)،^۶ ضیاء الدین ابوحامد عبدالوهاب بن علی بن سکینه بغدادی (م ۶۰۷ هـ)^۷ و ابوالخیر مصدق شیبی واسطی (م ۶۰۵ هـ).^۸ برخی از اساتید حنبلی ابن ابی‌الحدید عبارتند از: ابو محمد قریش بن سبیب بن مهنا العلوی المدنی (م ۶۲۰ هـ)^۹ و شمس الدین فخار بن معد الموسوی (م ۶۳۰ هـ).^{۱۰} ابوجعفر یحیی

بن ابی زید حسنی بصری النقیب (م ۶۱۳ هـ)^{۱۱} که برجسته‌ترین استاد علوی ابن ابی الحدید بود نقابت طالبیان بصره را برعهده داشت و زمانی که برای شکایت از ناظر بصره به بغداد رفت در این شهر ماندگار شد.^{۱۲} او مردی ادیب، فاضل و عالم به انساب و اشعار و ایام عرب بود و شاید به جهت همین وسعت اطلاعاتش از تاریخ عرب و اسلام از جمله ندیمان الناصر لدین الله خلیفه عباسی بود.^{۱۳} از مجموع گفتاری که ابن ابی الحدید از ابوجعفر نقیب نقل می‌کند استنباط می‌شود که او فردی دانشمند و آگاه به تاریخ و ادبیات و دارای قدرت نقادی و داوری عمیق بوده است.

ابن ابی الحدید به معتزله گرایش یافت و آرای معتزله بغداد و بصره را فرا گرفت و خود در این مکتب کلامی صاحب نظر گردید و مورد توجه دستگاه حکومت عباسی قرار گرفت. دیگر افراد خاندان ابن ابی الحدید نیز از بزرگان و دانشمندان زمان خویش بودند. پدرش قاضی مداین^{۱۴} و برادرش موفق الدین ابوالمعالی قاسم دبیر انشا^{۱۵} و قاضی^{۱۶} بودند. برادر دیگرش، ابوالبرکات محمد، کاتب نظامیه‌ها و شاعر بود.^{۱۷} ابن کثیر در مقایسه دو برادر می‌نویسد: «ابن ابی الحدید از برادرش ابوالمعالی موفق الدین هبة الله، که خود فاضلی ژرف اندیش و اهل دانش بود، فضل بیشتری داشت».^{۱۸} اما ذهبی او را از بزرگان صاحب فضل و بزرگان کلام، نظم، نثر و بلاغت دانسته است؛ ولی برادرش را بر او برتری می‌دهد.^{۱۹}

ابن ابی الحدید در خدمت به خاندان عباسی مشاغل و مسئولیت‌هایی را برعهده گرفت و از این طریق وارد دربار شد. او در مراسم و مجالس بزرگان عصر خویش حاضر می‌شد و چون شاعر و ادیب بود در مناسبت‌های مختلف به هنرنمایی پرداخته و شعر می‌سرود. ابن فوطی به شعرخوانی ابن ابی الحدید در مجلس عقد دختر مجاهدین ایبک الخاص مستنصری، معروف به دواتدار کوچک، با بدر الدین لولوء صاحب موصل اشاره می‌کند.^{۲۰} وی ابتدا کاتب دارالتشریفات بود و در سال ۶۲۹ هـ. به کتابت خزانه منصوب شد و مدتی بعد کاتب دیوان گردید. در صفر سال ۶۴۲ هـ. به عنوان ناظر حله تعیین شد. سپس

خواجۀ امیر علاء الدین طبرس گردید و پس از آن ناظر بیمارستان عضدی و سرانجام ناظر کتابخانه‌های بغداد گردید.^{۲۱}

ابن ابی الحدید می‌نویسد مسئولیت‌های وی، آثارش را از جهات فرهنگی با ارزش نمود و مانع از اشتیاقش به کسب علوم و سرودن شعر نشد.^{۲۲} ارزش علمی آثارش به سبب استفاده از منابع گوناگون است. او علاوه بر استفاده از کتابخانه دربار، از کتابخانه ده هزار جلدی ابن علقمی^{۲۳} نیز استفاده می‌کرد.

ابن ابی الحدید در حمله هلاکوخان به بغداد به مرگ محکوم شد؛ اما به شفاعت ابن علقمی^{۲۴} و وساطت خواجۀ نصیرالدین طوسی^{۲۵} از مرگ رهایی یافت.^{۲۶} و پس از آن به مقام کاتبی رسید.^{۲۷} درباره تاریخ دقیق درگذشت ابن ابی الحدید میان مورخان اختلافی اندک وجود دارد؛ محمد بن شاکر کتبی در دو کتاب فوات الوفيات^{۲۸} و عیون التواریخ^{۲۹} و ابن کثیر در البدایه و النهایه^{۳۰} درگذشت او را در سال ۶۵۵ ه. می‌دانند. صنعانی در کتاب نسمة السحر به نقل از دیار بکری می‌نویسد که او هفتاد روز پیش از ورود مغولان به بغداد که بیست محرم سال ۶۵۶ ه. بود درگذشت.^{۳۱}

ذهبی در سیر الاعلام النبلاء وفات او را پنجم جمادی الاخری سال ۶۵۶ ه. اعلام می‌کند.^{۳۲}

ابن فوطی در حوادث الجامعه در وفیات سال ۶۵۶ ه. می‌نویسد:

قاضی موفق الدین ابوالمعالی قاسم بن ابی الحدید مدائنی در جمادی الاخر

درگذشت و برادرش عزالدین بن عبدالحمید در رشای او اشعاری سرود... و

عزالدین بعد از برادر خود چهارده روز زنده بود.^{۳۳}

مذهب ابن ابی الحدید

ابن ابی الحدید مذهب کلامی و اعتقادی خویش را در شرح نهج البلاغه به صراحت اعلام می‌کند و از شیفتگی‌اش به اعتقادات معتزله بغداد پرده بر می‌دارد. با وجود این

درباره گرایش مذهبی او آرای متناقضی بیان شده است. چنان که برخی از اهل سنت مانند ابن کثیر او را شیعه غالی^{۳۴} یا شیعه معتزلی^{۳۵} دانسته‌اند و برخی از شیعیان او را مغرض و متعصب در آرای اهل سنت دانسته‌اند.^{۳۶} و افرادی چون سید جمال الدین ابوالفضل احمد بن طاوس حلی (م ۶۷۳ هـ.)^{۳۷} و شیخ یوسف بن احمد بن ابراهیم الدرازی البحرانی (م ۱۱۸۶ هـ.)^{۳۸} ردیه‌هایی بر شرح نهج‌البلاغه نگاشته‌اند.

با وجود این که گرایش به تشیع در شرح نهج‌البلاغه آشکار است، اما مطالب فراوانی نیز در آن هست که با عقاید شیعیان درباره امامت و مسائل تاریخی پس از رحلت پیامبر (سازگار نیست. ابن ابی الحدید در سرتاسر کتابش به معتزلی بودن خویش و اعتقاد به درستی خلافت خلفای سه گانه پیش از حضرت علی اقرار می‌کند و بزرگان معتزله را شیوخ خویش می‌خواند. او در مقدمه شرح نهج‌البلاغه تأکید می‌کند که تمام بزرگان و اساتید معتقدند بیعت با خلیفه اول، صحیح و شرعی بوده و برای بیعت نصی از طرف رسول خدا (س) وجود نداشته است، بلکه به اختیاری بوده است که به طریق اجماع و غیر اجماع به عنوان طریقی برای اثبات امامت شناخته می‌شود. سپس او به بحث تفضیل می‌پردازد.^{۳۹}

ابن ابی الحدید خویش را از امامیه جدا می‌داند و پیروان این فرقه را غالی دانسته و نظر مساعدی به آنان ندارد و در مقابل معتزلیان را شیعیان حقیقی می‌داند و می‌نویسد: شیعه تنها به آن دسته از افراد اطلاق می‌شد که به تفضیل باور داشته‌اند و آنچه در اخبار و روایات، در فضیلت شیعه آمده و آنان را به بهشت وعده داده‌اند، همان‌ها هستند نه کس دیگر. به همین دلیل یاران معتزلی ما گفته‌اند که ما شیعیان حقیقی هستیم و این اعتقاد ما را از دیگر عقاید افراطی و تفریطی، به سلامت و حق نزدیک‌تر است.^{۴۰}

انکار نص بر امامت حضرت علی^{۴۱}، پذیرش خلافت ابوبکر با این که حضرت علی را افضل بر او دانسته^{۴۲} و پذیرش امامت مفضول بر افضل،^{۴۳} مهم‌ترین دلایل اثبات دوری ابن ابی الحدید از مذهب امامیه است؛ زیرا امامیه به وجود نص برای امامت حضرت

علی تأکید می‌ورزند و امامت مفضول را رد می‌کنند و در این باره کتاب‌های متعددی نوشته‌اند؛ مانند کتاب الرد علی المعتزله نوشته ابومحمد هشام بن حکم از اصحاب امام صادق و امام کاظم^{۴۴} و کتاب الرد علی المعتزله فی امامة المفضول نوشته محمد بن نعمان ملقب به مؤمن الطاق از اصحاب امام صادق^{۴۵}. همچنین او پس از به پایان رساندن شرح نهج البلاغه و فرستادن آن برای ابن علقمی، وزیر شیعی و دانشمند، در پاسخ به الطاف او اشعاری سروده و در ضمن آن می‌گوید:

مذهب اعتزال و یارانش را که مردم خردمند و دقیق نظر هستند دوست دارم.

آری، اهل عدل و توحید اهل من و راه پسندیده آنان همواره آیین من است.^{۴۶}

برخی از نویسندگان به نقل از یوسف بن یحیی صنعانی، ادیب قرن یازدهم و دوازدهم هجری (م ۱۱۲۱ ه) نوشته‌اند که ابن ابی الحدید معتزلی جاحظی بوده است. این موضوع با عقاید جاحظ سازگار نیست، زیرا بنا بر گفته خود ابن ابی الحدید در اوایل مقدمه شرح نهج البلاغه، جاحظ معتقد به برتری و تفضیل ابوبکر بر علی بوده و به طرفداری از عثمان کتاب العثمانیه را فراهم آورد.

به نظر می‌رسد که ابن ابی الحدید به عقیده و گفته‌های ابوجعفر محمد بن عبدالله اسکافی توجه بیشتری داشته است. ابوجعفر اسکافی، متکلم دانشمند سده سوم هجری که معاصر جاحظ بوده و بر کتاب عثمانیه او ردیه نوشته، به سال ۲۴۰ ه. و پانزده سال پیش از مرگ جاحظ در گذشته است.^{۴۷} به هر حال سخن یوسف بن یحیی صنعانی در کتاب نسمة السحر که به مقدمه محمد ابوالفضل ابراهیم و از آن جا به دائرة المعارف بزرگ اسلامی و کتاب‌های دیگر راه یافته است. چندان استوار نیست.^{۴۸}

هر چند ابن ابی الحدید در نقل آرای معتزله از گفته‌های جاحظ و سایر بزرگان معتزله بهره گرفته و در مسائل کلامی به آرای آنان استناد می‌جوید، اما از نظر اعتقادی بدون

هیچ تردیدی از پیروان معتزله بغداد بوده و از ارادتمندان حضرت علی محسوب می‌شد و از معتزله بصره و جاحظ که نظر مساعدی به آن حضرت نداشتند فاصله بسیاری داشت.

تألیفات ابن ابی الحدید

از ابن ابی الحدید آثار و تألیفات بسیاری به یادگار مانده است. هفده اثر او شناخته شده است که سه اثر به نظم و بقیه به نثر هستند. این آثار عبارتند از:

۱. شرح نهج البلاغه: ابن ابی الحدید ارزنده‌ترین اثرش شرح نهج البلاغه را در ۵۸ سالگی در زمانی که در بالاترین حد علمی‌اش قرار داشت تألیف کرد. وی در این باره می‌نویسد:

نگارش این کتاب در چهار سال و هشت ماه تمام شد که آغاز آن اولین روز ماه رجب سال ششصد و چهل و چهار بود و پایانش روز سی‌ام صفر سال ششصد و چهل و نه که این زمان برابر مدت خلافت امیرالمؤمنین علی است و هرگز تصور نمی‌شد که در کمتر از ده سال انجام بگیرد...^{۴۹}

ابن ابی الحدید شرح نهج البلاغه را به مؤید الدین بن علقمی، وزیر شیعی مستعصم بالله خلیفه عباسی (خلافت از ۶۴۰-۶۵۶ هـ) هدیه کرد. ابن علقمی در مقابل صد دینار و خلعت و اسبی به او صله داد. و او نیز بابت این بخشش در قصیده‌ای وزیر را ستایش کرد.^{۵۰}

این کتاب دائرة المعارفی از علوم تاریخ، انساب، ادبیات، کلام فقه، اخلاق و فرهنگ عرب است که حجم زیادی هم دارد. این کتاب به اهتمام محمد ابوالفضل ابراهیم بر طبق تقسیم‌بندی ابن ابی الحدید در بیست جلد منتشر گردیده است.

۲. الاعتبار: این کتاب در سه جلد شرح و تعلیقی بر کتاب الذریعه فی اصول الشریعه تألیف سید مرتضی است.^{۵۱}

۳. انتقاد المستصفی: این کتاب نقدی بر کتاب المستصفی من علم الاصول تألیف

- غزالی است.^{۵۲}
۴. الحواشی علی کتاب المفصل فی النحو: شرح و توضیحی بر کتاب المفصل فی النحو تألیف زمخشری است.^{۵۳}
۵. شرح الآیات البینات: شرحی است بر کتاب کلامی الآیات البینات فخرالدین رازی.^{۵۴}
۶. شرح المحصل: شرحی بر کتاب محصل افکار المتقدمین و المتأخرین نوشته فخرالدین رازی می باشد.^{۵۵}
۷. شرح الیاقوت: شرحی بر کتاب الیاقوت ابواسحاق ابراهیم بن نوبخت.^{۵۶}
۸. نقض المحصول فی علم الاصول: نقدی است بر کتاب المحصول فی علم الاصول تألیف فخرالدین رازی.^{۵۷}
۹. العبقری الحسان: این کتاب مجموعه‌ای از موضوعات گوناگون شامل مباحث کلامی، تاریخ و ادبی است.^{۵۸}
۱۰. الوشاح الذهبی فی العلم الادبی.^{۵۹}
۱۱. الفلک الدائر علی المثل السائر: این کتاب نقدی بر کتاب المثل السائر فی الادب الکاتب و الشاعر تألیف نصرالله بن محمد بن الاثیر الشیبانی الجزری الموصلی الکاتب (۶۷۳ هـ) برادر ابن اثیر مورخ است.^{۶۰} نگارش این کتاب در اول ذی الحجه سال ۶۳۳ بنا به درخواست مستنصر آغاز شد و در مدت پانزده روز به پایان رسید. چندین نقد بر این کتاب نوشته شده است؛ از جمله نشر المثل السائر و طی الفلک الدائر نوشته ابوالقاسم محمود سنجاری (م ۶۵۰ هـ).^{۶۱} این کتاب در سال ۱۳۰۹ ق. در هند چاپ شده است.^{۶۲}
۱۲. شرحی بر المنظومه فی الطب ابن سینا.^{۶۳}
۱۳. شرحی بر کتاب مشکلات الغرر: این اثر شرحی است بر کتاب مشکلات الغرر نوشته ابوالحسین بصری از شیوخ بزرگ معتزله.^{۶۴}
۱۴. منظومه الفصیح: ابن ابی الحدید در مدت ۲۴ ساعت کتاب الفصیح در علم لغت و نوشته احمد بن یحیی معروف به ثعلب (م ۲۹۱ هـ) را به نظم در آورد.^{۶۵}

۱۵. مستنصریات: اشعاری که به خواسته مستنصر سروده شده است.^{۶۶}
۱۶. دیوان اشعار: دیوان اشعار او شامل انواع قصیده تا غزل که مناجات و مخاطبات صوفیانه در آن بیشتر از انواع دیگر است.^{۶۷}
۱۷. القوائد السبع العلویات: موضوع این اشعار فتح خیبر و فتح مکه و ابیاتی در مدح پیامبر^۶ و حضرت علی و اظهار ناراحتی و اندوه در شهادت امام حسین است.^{۶۸} ابن ابی الحدید این کتاب را برای ابن علقمی، وزیر شیعی مستعصم، تألیف کرد.^{۶۹}

زمینه‌ها و انگیزه اهتمام ابن ابی الحدید به شرح نهج البلاغه

در معتزله، تعداد اندکی از ایشان به تاریخ نگاری پرداخته‌اند؛ ایشان به دلیل آن که می‌کوشند مشکلات ذهنی و مذهبی خویش را با عقل و استدلال حل کنند، به نقل جز در چهارچوب پیش فرض‌هایشان نمی‌نگرند. اگرچه افرادی چون اسکافی و جاحظ که از مورخان بزرگ و بنام معتزله هستند آثار ارزشمندی را تألیف کرده‌اند و عده‌ای دیگر از ایشان مانند قاضی عبدالجبار به تاریخ اهمیت می‌دادند اما آنها تنها به دانش تذکره نویسی برای معتزلیان یا به اصطلاح علم «طبقات معتزله» پرداختند. یک معتزلی به دلیل پیش فرض‌های متکلمان، تاریخ را از منظر علم کلام نگاه می‌کند. معنای این سخن آن است که تاریخ در این نگاه، در جایگاه واقعی خویش قرار ندارد؛ بلکه به نوعی ابزار دست متکلم شده است. این مشکلی است که دیگر عقل‌گرایان مسلمان هم با دانش تاریخ داشتند.

با این حال ابن ابی الحدید به دلیل نوع نگاهش یک استثناست. او یک معتزلی مورخ آن هم در سطحی قابل قبول است. شاید همین امر سبب شده تا نگاه او وسیع‌تر و دارای مشرب‌تری بازتر در شرح نهج البلاغه باشد. سوالاتی که در اینجا قابل طرح است اینست که چرا ابن ابی الحدید به تاریخ اسلام پرداخته است؟ و چرا این پرداختن با شرح نهج البلاغه به هم در آمیخته است؟ در پاسخ باید گفت که بخشی از معتقدات معتزله دقیقاً جنبه تاریخی دارد. صورتش کلامی است اما ماده و عمقش تاریخی است. بررسی سیر پیدایش معتزله نشان می‌دهد که آنان از دل تحولات تاریخی سربرآورده‌اند. مشکلات جنگ جمل

و صفین و سپس نهروان و نیز پدید آمدن خوارج که کافر و مسلمان چگونه از همدیگر تفکیک می‌شوند، معتزله را به پاسخ‌گویی به این سوال روبرو کرد. ابن ابی الحدید می‌کوشد تا به همان پرسش‌های نخست پاسخ دهد، آن هم با شرح نهج‌البلاغه. در این صورت او هم شرح نهج‌البلاغه نوشته و هم از هویت معتزله دفاع کرده و هم نشان داده است که یک معتزله شیعی است نه عثمانی.

روابط میان تشیع و تسنن در ادوار مختلف تاریخی دارای فراز و نشیب‌های فراوانی بوده است. مناسبات علمی میان علمای شیعه و سنی به ویژه معتزلیان میانه رو آنان را با یکدیگر آشناتر کرد. در اواخر قرن پنجم در دوران حکومت آل بویه و پس از آن می‌توان تفاهمی جدی را در اندیشه‌های شیعه و معتزله یافت.

نهج‌البلاغه گزیده سخنان حضرت علی است که به دست سید رضی (ره) (م ۴۰۶ هـ) از مصادر تاریخی، حدیثی و ادبی گردآوری شده است. بیشتر خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه مربوط به دوران حکومت پنج ساله حضرت علی است و در تمام نهج‌البلاغه به جز خطبه شقشقیه اظهار نظر صریح و انتقادی از شیخین نشده است.

نفس تدوین نهج‌البلاغه، آن گونه که بخش عظیمی از سنیان معتدل نیز آن را بپذیرند و حتی بر آن شرح بنویسند، می‌تواند اقدامی در راه تفاهم به شمار آید. گرچه سنیان افراطی که وارثان اهل حدیث بودند، در برابر این اقدام معتدلانه شیعه حاضر به کوچک‌ترین گذشت نشدند.^{۷۰}

اوج نزدیکی شیعه و معتزله و تأثیراتی که این دو گروه بر هم نهادند، در شرح نهج-البلاغه ابن ابی الحدید دیده می‌شود. ابن ابی الحدید با شرح نهج‌البلاغه که مورد علاقه شیعیان بود و آن گروه از اهل سنت که حضرت علی را به عنوان خلیفه چهارم قبول داشته و برای ایشان احترام قایل بودند، گامی مهم در راه نزدیکی شیعه و سنی برداشته است.

او در شرح نهج‌البلاغه تلاش می‌کند تا تفکر اعتزالی را که در این زمان رو به افول

بود، استحکام بخشد و با کمک گرفتن از کلام امیرالمؤمنین و وقایع تاریخی برتری عقاید معتزلیان بغداد را در تقابل با معتزلیان بصره اثبات کند.^{۷۱} در این کتاب که برای ابن علقمی اسدی، وزیر شیعی مذهب المستعصم بالله، تألیف کرده است،^{۷۲} مباحث تاریخی و اعتقادی را به گونه‌ای گزینش می‌کند که برای هر دو گروه شیعه و سنی آن دوران مورد قبول باشد و باعث تحریک احساسات هیچ یک از دو طرف نشود.

ابن ابی الحدید با استفاده از شیوه‌های رایج معتزله در بررسی‌های علمی، به شرح کلام حضرت علی و تحلیل وقایع تاریخی پرداخته است. وی در شرح نهج البلاغه که قسمت اعظم آن به نقل و بررسی وقایع تاریخی اختصاص دارد کوشیده است که در هنگام نگارش تاریخ به اصول معتزلی و راه‌های مورد قبول ایشان در بررسی‌های علمی وفادار بماند و در واقع تاریخ برای ابن ابی الحدید ابزاری مهم است که با پژوهش و تحقیق درباره آن و با استناد به آن می‌توان به حقایق امور دست یافت.

پی‌نوشت‌ها

1. الحافظ ابی الفداء اسماعیل بن کثیر، *البدایه و النهایه*، تحقیق علی شیری (بیروت: داراحیاء التراث العربی، الطبقة الاولى، ۱۴۰۸ هـ). ج ۱۳، ص ۲۱۲.
2. آقا بزرگ طهرانی، *الذریعه الی تصانیف الشیعه* (بیروت: دارالاضواء، چاپ سوم، ۱۴۰۳ هـ) ج ۱۴، ص ۱۵۸ - ۱۵۹.
3. شهاب الدین ابی عبدالله یاقوت بن عبدالله الحموی الرومی البغدادی، *معجم البلدان* (بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ هـ). ج ۴، ص ۴۴۸ و ج ۵، ص ۷۵.
4. *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم بجنوردی (تهران: انتشارات بنیاد دائرة المعارف، ۱۳۶۸) ص ۲۹۴، ذیل «ابن ابی الحدید».
5. ابن ابی الحدید، *شرح نهج البلاغه*، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم (قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ج اول، ۱۳۳۷) ص ۲۸۰.
6. همان، ج ۱۵، ص ۱۰۱.
7. همان، ج ۱۵، ص ۱۰۱ و ج ۱۴، ص ۲۵۱.
8. همان، ج ۱، ص ۲۰۵.
9. همان، ج ۹، ص ۲۳۵.
10. همان، ج ۱، ص ۴۱ و ج ۱۵، ص ۲۳.
11. همان، ج ۷، ص ۱۳۲، ۱۷۴ و ج ۹، ص ۲۴۸.
12. مصطفی جواد، ابوجعفر نقیب (بغداد، *مطبعة الهلال*، ۱۳۶۹ ق) ص ۲۴ - ۲۸.
13. *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، ص ۲۹۶.
14. محمد آصف فکرت، *دایرة المعارف تشیع*، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی و

- دیگران (تهران: بنیاد شهید سعید محبی، چاپ اول، ۱۳۷۹) ص ۶۴۰، ذیل «ابن ابی الحدید».
15. محمدبن علی بن طباطبا معروف به ابن طقطقی، *تاریخ فخری*، ترجمه وحید گلپایگانی، چاپ دوم (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰) ص ۴۴۱.
16. ابن الفوطی، *الحوادث الجامعه*، ترجمه عبدالمحمد آیتی (تهران: انجمن آثار، و مفاخر فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۳) ص ۱۹۹.
17. L. Veccia Vaglieri, *IBN Abilhadid in Encyclopaedia Of Islam*, v. 3, P. 684.
18. ابن کثیر، *البدایة النہایة*، تحقیق علی شیری (بیروت: داراحیاء التراث العربی، الطبقة الاولى، ۱۴۰۸ ق) ج ۱۳، ص ۲۳۳.
19. ذهبی، *سیرالاعلام النبلاء*، تحقیق شعیب الارنؤوط و محمد نعیم العرقسوسی (بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ ق) ص ۲۷۵.
20. ابن الفوطی، *پیشین*، ص ۴۴.
21. کمال الدین ابوالفضل عبدالرزاق بن احمد معروف بن ابن الفوطی شببانی، *مجمع الآداب فی معجم الاتقاب*، تحقیق محمد کاظم (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴) ج ۱، ص ۲۱۳، ۲۱۴.
22. L. Veccia Vaglieri, *IBN Abilhadid in Encyclopaedia Of Islam*, v. 3, P. 685.
23. ابن طقطقی، *پیشین*، ص ۴۵۱.
24. ابن علقمی، وزیر شیعه مذهب مستعصم آخرین عباسی خلیفه، برخلاف خلیفه از اوضاع و احوال جهان اسلام به خوبی با خبر بود و می‌کوشید تا خلیفه را با واقعیات آشنا سازد؛ اما تلاش‌هایش بی‌ثمر ماند و در اثر بدگویی درباریان اختیاراتش محدود شد. با جدی شدن خطر حمله مغول به بغداد، او کوشید تا خلیفه را مجبور به مصالحه با مغولان کند؛ اما به سبب غفلت خلیفه و مخالفت سایر بزرگان دربار در این کار ناموفق ماند؛ از این رو وی با خان مغول ارتباط برقرار کرد و به طور مستقیم برای نجات بغدادیان تلاش کرد. ابن علقمی که مقاومت در برابر

هلاکوخان را بی‌فایده می‌دید، خلیفه را راضی به تسلیم شدن کرد. (فضل الله بن عبدالله شیرازی، تاریخ وصاف الحضرة در احوال سلاطین مغول (تهران: کتابخانه ابن سینا و کتابخانه جعفری، ۱۳۳۸) ج ۱، ص ۳۶؛ ابن طقطقی، پیشین، ص ۴۴۸ - ۴۵۲.

25. خواجه نصیرالدین (۵۹۷ - ۶۷۲ هـ) پس از فراغت از تحصیل به دربار ناصرالدین ابوالفتح عبدالرحیم بن ابی منصور، محتشم قهستان، که از سلاطین اسماعیلیه بود، پیوست و در دستگاه او مقامی ارجمند یافت. در اثنای اقامتش در دستگاه اسماعیلیان، قصیده‌ای به عربی در مدح مستعصم عباسی سرود و به بغداد فرستاد. به اشاره ابن علقمی، وزیر مستعصم، در قلعه الموت متوقف شد و تا هنگام فتح قلاع اسماعیلیه به دست هلاکو در قلعه میمون در نزد رکن الدین خورشاه به سر برد و پس از فتح الموت به دست ایلخان مغول به خدمت او پیوست و از مقربان گردید. کتاب‌ها و آثار او بدین شرح‌اند: ۱. تجرید الاعتقاد؛ ۲. تذکره در هیئت؛ ۳. تحریر کتاب اقلیدس؛ ۳. تحریر مجسطی؛ ۵. شرح اشارات؛ ۶. فصول نصیری؛ ۷. فرائض نصیری؛ ۸. آداب المتعلمین؛ ۹. رساله اسطرلاب؛ ۱۰. رساله جواهر؛ ۱۱. نقد المحصل؛ ۱۲. رساله معینیه در هیئت به فارسی؛ ۱۳. شرح آن به فارسی؛ ۱۴. رسال خلق اعمال؛ ۱۵. شرح رساله العلم میثم بحرانی؛ ۱۶. اخلاق ناصری؛ ۱۷. اوصاف الاشرف. شیخ حر عاملی، أمل الآمل (نجف، مکتبه الأندلس، بغداد، بی‌تا) ج ۲، ص ۲۹۹؛ آقا بزرگ طهرانی، پیشین، ج ۱، ص ۱۴؛ خیرالدین زرکلی، الاعلام (بیروت: دارالعلم الملايين، بی‌تا) ج ۷، ص ۳۰.

26. هندوشاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی نخجوانی، تجارب السلف در تواریخ خلفا و وزرای ایشان، به کوشش عباس اقبال آشتیانی (تهران: ۱۳۵۷) ص ۳۵۹.

27. ابن الفوطی، حوادث الجامعه، ص ۱۹۷.

28. محمد بن شاکر الکتبی، فوات الوفیات، تحقیق احسان عباس (بیروت: دارالصادر، ۱۹۷۴

م) ج ۲، ص ۲۵۹.

29. محمد بن شاکر الکتبی، عیون التواریخ، الجزء العشرون، تحقیق فیصل سامر و نبیله

- عبدالمنعم داوود (بغداد، دارالرشيد، ١٩٨٠ م) ص ١١٢.
30. ابن كثير، *پيشين*، ج ١٣، ص ٢٣٣.
31. الشريف ضياء الدين يوسف بن يحيى الحسينى اليميني الصنعاني، *نسمة السحر بذكر من تشيع و شعر*، تحقيق سلمان الجبوري، الطبعة الاولى (بيروت: دارالمورخ العربي، الطبعة الاولى، ١٤٢٠ ق) الجزء الثاني، ص ٣٤٤.
32. ذهبي، *پيشين*، ج ٢٣، ص ٢٧٥.
33. ابن الفوطى، *حوادث الجامعة*، ص ١٩٩.
34. ابن كثير، *پيشين*، ج ١٣، ص ١٩٩.
35. همان، ص ٢١٢.
36. ميرزا حبيب الله هاشمى خويى، *منهاج البراعه فى شرح نهج البلاغه*، تصحيح سيد ابراهيمى ميانجى (تهران: مكتبه الاسلامى، چاپ چهارم) ج ١، ص ٦٠٥.
37. آقا بزرگ طهرانى، *پيشين*، ج ١١، ص ٢٦٠؛ سيد على اصغر جابلقى، *طرائف المقال*، تحقيق سيد مهدي رجايى (قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، چاپ اول، ١٤١٠ ق) ج ٢، ص ٦١٤.
38. آقا بزرگ طهرانى، *پيشين*، ج ١٢، ص ٢١٠؛ سيد اعجاز حسين نيشابورى الكنتورى، *كشف الحجب و الاستار عن اسماء الكتب و المنقار* (قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، چاپ دوم، ١٤٠٩ ق) ص ٣١١.
39. ابن ابي الحديد، *پيشين*، ج ١، ص ٧ - ٩.
40. همان، ج ٢٠، ص ٢٢٥ - ٢٢٦.
41. همان، ج ١، ص ١٤٠ - ١٤١، ١٥٦.
42. همان، ج ١، ص ٧.
43. همان، ص ٩.

44. ابوالعباس احمد بن علی نجاشی اسدی کوفی، رجال نجاشی، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی (قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، الطبعة الخامسة، ۱۴۱۶ ق) ص ۴۳۳؛ محمد بن اسحاق بن ندیم، الفهرست، تحقیق رضا تجدد (بی جا، کتابخانه ابن سینا، چاپ اول، ۱۳۴۳) ص ۲۲۴.
45. محمد بن اسحاق بن ندیم، پیشین، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، الفهرست، تحقیق جواد القیومی، (موسسه نشر الفقه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۷ ق) ص ۲۰۷.
46. محمود مهدی دامغانی (مصاحبه)، گستره تاریخ (گفتگوهای با تاریخ نگاران ایران)، به اهتمام مسعود رضوی (تهران: هرمس، مرکز بین المللی گفتگوی تمدن‌ها، چاپ اول، ۱۳۸۳) ص ۳۶۲.
47. ابن ابی الحدید، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ترجمه محمود مهدوی، دامغانی (تهران: نشر نی، چاپ چهارم، ۱۳۸۵) ص ۸.
48. همان، ص ۹.
49. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، پیشین، ج ۲۰، ص ۳۴۹.
50. ابن کثیر، پیشین، ج ۱۳، ص ۲۱۲؛ در روضات الجنات و ریحانه الادب این مبلغ صد هزار ذکر شده است. محمد باقر موسوی خوانساری اصبهانی، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، ج ۵، تحقیق اسدالله اسماعیلیان (تهران: اسماعیلیان، بی تا) ص ۲۱، محمد علی مدرس تبریزی، ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه و اللقب یا کنی و القاب (تهران: کتابفروشی خیام، چاپ چهارم، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۳۳۵).
51. خوانساری، پیشین، ص ۲۲.
52. ابن ابی الحدید، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه، پیشین، ص ۲۵.
53. همان.
54. همان، ص ۲۶.

55. خوانساری، پیشین، ص ۲۲.
56. همان.
57. همان.
58. همان.
59. ابن ابی الحدید، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه، پیشین، ص ۲۶.
60. کارل بروکلیمان، تاریخ الادب العربی (الهیئة المصریة العامه للكتاب، ۱۹۹۳) القسم الثالث ۵ - ۶، ص ۱۸۱.
61. حاجی خلیفه، كشف الظنون عن اسامی الكتب و الفنون (بیروت: داراحیاء التراث العربی) ص ۱۲۹۱، ۱۵۸۶.
62. ابن ابی الحدید، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه، پیشین.
63. همان.
64. خوانساری، پیشین، ص ۲۲.
65. حاجی خلیفه، پیشین، ص ۱۲۷۳.
66. ابن ابی الحدید، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه، پیشین، ص ۲۷.
67. همان.
68. کارل بروکلیمان، پیشین، ص ۱۸۲.
69. آقا بزرگ طهرانی، پیشین، ص ۱۲۹.
70. رسول جعفریان، اندیشه تفاهم مذهبی در قرن هفتم و هشتم هجری (قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱) ص ۸.
71. جواد کاظم منشد نصرالله، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید المعتزلی رویه الاعتزالیه عن الامام علی (قم: ذوی القربی، ۱۳۸۴) ص ۱۱ - ۱۲.
72. آقا بزرگ طهرانی، پیشین، ج ۱۴، ص ۱۵۸ - ۱۵۹.

منابع

- ابن ابی الحدید، *جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید*، ترجمه محمود مهدی دامغانی، ج ۸، چاپ چهارم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵.
- _____، *شرح نهج البلاغه*، ج ۲۰، مصحح محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ اول، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۳۳۷.
- ابن الفوطی شیبانی، *کمال الدین ابوالفضل عبدالرزاق بن احمد، الحوادث الجامعة*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، چاپ اول، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱.
- _____، *مجمع الآدب فی معجم الالقاب*، ج ۶، تحقیق محمد کاظم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.
- ابن الکثیر، *الحافظ ابی الفداء اسماعیل، البدایه و النهایه*، ج ۱۴، تحقیق علی شیری، الطبعة الاولى، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
- ابن ندیم، *محمد بن اسحاق، الفهرست*، تحقیق رضا تجدد، چاپ اول، بی جا، کتابخانه ابن سینا، ۱۳۴۳.
- بروکلیمان کارل، *تاریخ الادب العربی*، ج ۹، هیئة المصری العامله للکتاب، ۱۹۹۳ م.
- جابلقی، *سید علی اصغر، طرائف المقال*، ج ۲، تحقیق سید مهدی رجایی، ج ۱، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۰ ق.
- جواد مصطفی، *ابوجعفر نقیب*، بغداد، مطبعة الهلال، ۱۳۶۹ ق.
- جعفریان، *رسول، اندیشه تفاهم مذهبی در قرن هفتم و هشتم هجری*، چاپ اول، قم، دفتر

تبليغات اسلامى، ١٣٧١.

- حاجى خليفه، *كشف الظنون عن اسامى الكتب و الفنون*، ج ٢، بيروت، داراحياء التراث العربى، ص ١٥٨٦.
- الحموى الرومى البغدادي، شهاب الدين ابى عبدالله ياقوت بن عبدالله، *معجم البلدان*، ج ٥، بيروت، دارالاحياء التراث العربى، ١٣٩٩ ق.
- ذهبى، *سير الاعلام النبلاء*، ج ٢٣، تحقيق شعيب الارنؤوط - محمد نعيم العرقسوسى، الطبعة التاسعه، بيروت، مؤسسه الرساله، ١٤١٣ ق.
- ذيل مدخل ابن ابى الحديد، *دايرة المعارف بزرگ اسلامى*، زير نظر كاظم بجنوردى، تهران، انتشارات بنياد دايرة المعارف، ١٣٦٨.
- زركلى، خيرالدين، *الاعلام*، ج ٨، الطبعة الخامسة، بيروت، دارالعلم الملايين، بى تا.
- شيرازى، فضل الله بن عبدالله، *تاريخ و صاف الحضرة در احوال سلاطين مغول*، ج ٢، تهران، كتابخانه ابن سينا و كتابخانه جعفرى، ١٣٣٨.
- صاحبهى نخجوانى، هندوشاه بن سنجر بن عبدالله، *تجارب السلف در تواريخ خلفا و وزراى ايشان*، به كوشش عباس اقبال آشتياني، تهران، ١٣٥٧.
- الصنعاني، الشريف ضياء الدين يوسف بن يحيى الحسينى اليميني، *نسمة السحر بذكر من تشيع و شعر*، تحقيق سلمان الجبورى، ج ٣، الطبعة الاولى، بيروت، دارالمورخ العربى، ١٤٢٠ ق.
- طوسى، ابو جعفر محمد بن حسن، *الفهرست*، تحقيق جواد القيومى، الطبعة الاولى، مؤسسه نشر الفقاهه، ١٤١٧ ق.
- طهرانى، آقا بزرگ، *الذريعة الى تصانيف الشيعة*، ج ٢٦، چاپ سوم، بيروت، دارالاضواء، ١٤٠٣ ق.

- عاملی، شیخ حر، *أمل الامل*، ج ۲، نجف، مکتبه الأندلس، بغداد، بی تا.
- فکرت، محمد آصف، ذیل مدخل «ابن ابی الحدید»، دایرة المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی و دیگران، چاپ اول، تهران، بنیاد شهید سعید محبی، ۱۳۷۹.
- الکتبی، محمد بن شاکر، *فوات الوفيات*، ج ۵، تحقیق احسان عباس، بیروت، دارالصادر، ۱۹۷۴ م.
- _____، *عیون السواریخ*، ج ۲۳، تحقیق فیصل سامر و نبیله عبدالمنعم داوود، بغداد، دارالرشید، ۱۹۸۰ م.
- مدرس تبریزی، محمد علی، *ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه و اللقب یا کنی و القاب*، ج ۸، چاپ چهارم، تهران، کتابفروشی، خیام، ۱۳۷۴.
- منشد نصرالله، جواد کاظم، *شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید المعتزلی رؤیة الاعتزالیة عن الامان علی*، قم، ذوی القربی، ۱۳۸۴.
- موسوی خوانساری اصبهانی، محمد باقر، *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*، ج ۸، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، تهران، اسماعیلیان، بی تا.
- مهدوی دامغانی، محمود (مصاحبه)، *گستره تاریخ (گفتگوهای بی با تاریخ نگاران ایران)*، به اهتمام مسعودی رضوی، چاپ اول، تهران، هرمس و مرکز بین المللی گفتگوی تمدن ها، ۱۳۸۳.
- نجاشی اسدی کوفی، ابوالعباس احمد بن علی، *رجال نجاشی*، تحقیق سید موسی شبیری زنجان، الطبعة الخامسة، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرقه، ۱۴۱۶ ق.
- نیشابوری الکتوری، سید اعجاز حسین، *کشف الحجب و الاستار عن اسماء الکتب و المنقار*، ج ۲، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ ق.

- هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه*، ج ۲۱، تصحیح سید

ابراهیم میانجی، چاپ چهارم، تهران، مکتبه الاسلامی، ۱۳۵۸.

32. Vaglieri L. Veccia. "IBN Abilhadid" in *Encyclopaedia of Islam*, v.3.